

دو پیاله مثنوی : اگر جایی هستی که داری تشنگی کسانی را سیراب میکنی



مولوی تعبیر عجیبی از آب و تشنگی و سفر زندگی خودش به ما یاد میدهد.

▪ خیلی از ما حواسمون نیست که با همین کارهای روزمره به ظاهر غیر مهم ممکنه که تاریخ خودمون یا تاریخ خانواده ای را حتی تاریخ ملتی را تغییر بدیم ؛ به میزانی که داریم برای فردیت خود میجنگیم و گاهی بزن بزنی میکنیم و جایی میسوزیم و جایی دیگر میسازیم و یه روز زیرآبمون میخوره و روز دیگر دوباره خودمون را جمع میکنیم و... همه و همه به این معنیست که شاید داریم تاریخی بزرگ را رقم میزنیم ولی الان نمیبینیمش

هین ببین که ناطقه جو میکند

تا به قرنی بعد ما آبی رسد

این تعبیر مولویست درباره خودش و شبهای قونیه و درسهایش به شاگردان شب نشینش که برای لحظاتی از قرن 7 به همه تاریخ نگاه میکند . مولوی از اون دسته آدمهاست که درازنای تاریخ را میدیده و این خاصیت عارفه و لذا وقتی داره حرف میزنه ، در همان لحظه میدونسته که اگر داره حرف میزنه و جویی میکنه ، آیندگانی هستند از جنس خودش و دغدغه هاش که تشنگی شان را پای این جوی برطرف میکنند. فراموش نکنیم که مولوی از دولت قرآن بود که به حقیقت نقب میزد ...

▪ همین مولوی که نقش خود را رفع تشنگی میدیده در جایی از مثنوی تله این مسیر را میگوید :
من سروکارم با تشنگان است و چگونه وقتم را بگذارم برای اشکال جواب دادن کسانی که کاری جز اشکال تراشی ندارند؟

گر شوم مشغول اشکال و جواب

تشنگان را کی توانم داد آب

گر تو اشکالی بکلی و حرج

صبر کن الصبر مفتاح الفرج¹

بنابراین در سفر زندگی اگر جایی هستید که دارید تشنگی جان کسانی را برطرف میکنید، در مسیر مردانی چون مولوی هستید و در راه رساندن آب به اهلش و این یعنی مراقبت کردن از خود در برابر اتلاف وقت

ناشی از رفع اشکال نقادانی که قصدشان رفع تشنگی نیست بلکه مطرح کردن خود است. مولوی این را نیز از قرآن آموخته است که اهل امن و ایمان، کسانی هستند که اذا خاطبهم الجاهلون قالو سلاما، مومن کسیست که در برابر جاهلین به سلامی بسنده میکند...همین و بس.

1- بخش 138 دفتر اول مثنوی

1. دو پیاله مثنوی - اذر ۹۲

320 گر تو این انبان ز نان خالی کنی پر ز گوهرهای اجلالی کنی بیشتر بخوانید

2. دو پیاله مثنوی ، انگشت نورانی

استاد مثنوی ما جناب آقای عجمی ، ارادت خاصی به مرحوم آقای میرزا علی اکبر معلم دامغانی (عارف فرهیخته ای که سالها پیش به رحمت الهی پیوست) دارند و گاهی اوقات نکات جالبی از زندگی ایشان نقل میکنند

3. دو پیاله مثنوی - تولد

هفته پیش سالروز میلاد جناب مولوی بود . در هندسه ذهنی مولوی تفاوت بزرگی میبینیم با شکاکیت و بلا تکلیفی خیامی. مولوی درمانده نیست ، دو به شک نیست این را در قمار عاشقانه ای که در ۲۸ سالگی کرد ، میتوان رصد کرد

4. بفرمایید دل نوشته های سحری و چایی لیموی تازه - ۳ - بیروت

شب قدر ، آقایان مومنین با شلوارک و لباسهای راحتی و آستین حلقه ای و... خیلی ریلکس میشینند در مسجد و بعضی ها دراز کش و اعمال را کامل به جای می آورند .

5. دو پیاله مثنوی - مکر عالم - ایمان و توانگری ۹۲

همانا در در روزگار زندگی شما نسیمهایی از سوی پروردگارتان می وزد. خود را در معرض آنها قرار دهید، باشد که چنین نسیمی سبب شود که برای همیشه بدبختی از شما دور ماند؛

6. چیزی در زخم هست که میتونه آدمی را به جای پختگی ، خطرناک بکنه

خیلی از ما به خونه های تعلق داریم که توش آرامش نبوده ، درگیری بوده ، اعتیاد بوده ،

ترومای فیزیکی و روانی بوده ، مریضی مزمن روانی بوده ؛ همه ما میتونیم انتخاب کنیم

7. دو پیاله مثنوی – اذا وقعت الواقعة

سالها قبل منزل آقای کاتبی برای ما شده بود محفل نور میهمانی که به عشق او این محفل اراسته شده بود ، دکتر الهی قمشه ای عزیزند . بحث قرآن و زیبایی های آنست. دکتر کتابی مرقوم کرده اند چند سال قبل به اسم 365 روز در صحبت قرآن که زیبایی های وحی را در نوشته هایی دو صفحه ای یادآور شده اند و بسیار زیباست . بعضی ها عجیبند ، نفسی خاص دارند ، وقتی حرفهایشان تمام میشود صدایشون در گوشم طنین می افکند هنوز :

8. دو پیاله مثنوی – ۱۸ اردیبهشت

اسید میسوزاند... اسید معده آدمی ، موزاییک را سوراخ میکند معده اگر سوراخ نمیشود زیرا مهز است به لایه ای مخاطی و مقاوم اگر میکربی به جان آدمی افتد که این لایه را تضعیف کند ، معده زخمی میشود ، بعضی ” گذشته های ” آدمی هستند که سوزاننده اند و نافذ و تنها به ایمانی قوی ، جراتی شایسته است که میتوان با آنها ادامه داد جراتی بر جبران و پذیرفتن مسوولیت و ایمانی بر نیک زیستن علیرغم زخمی بودن

9. دو پیاله مثنوی – راز و سم

در ترکیه بودم دسامبر سال 2005 ، به دیدن مزار مولوی در قونیه رفته بودیم و در تبلیغات وزارت جهانگردی ترکیه دائم میدیدم که از مثنوی معنوی به اسم Turkish bible نام میبرند

10. بسم الله النور